

بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدامید اخگر^۱، افشار کرمی^۲

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک تعداد ۱۲۰ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۲-۱۳۹۱ به عنوان نمونه بررسی انتخاب گردیده است. برای بررسی رابطه بین متغیرها، از ضریب همبستگی پیرسون، استفاده گردید. برای برآورد مدل از آزمون F لیمر و هاسمن برای انتخاب بهترین مدل از میان داده تابلویی، اثرات ثابت و اثرات تصادفی استفاده می‌شود. در این پژوهش تأثیر هفت عامل ویژگی شرکت در قالب سه متغیر، ساختاری (اندازه شرکت و اهرم)، نظارتی (ترکیب هیأت مدیره و سهامداران نهادی) و عملکردی (سودآوری، نقدینگی و رشد شرکت)، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه شرکت، سودآوری، نقدینگی و رشد شرکت دارای رابطه مثبت و معنی‌دار و متغیرهای اهرم و ترکیب هیأت مدیره رابطه‌ای منفی و معنی‌دار با کیفیت گزارشگری مالی دارند و همچنین متغیر سهامداران نهادی رابطه‌ای معنی‌دار بر متغیر وابسته تحقیق ندارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت گزارشگری مالی، ویژگی‌های ساختاری شرکت، ویژگی‌های نظارتی شرکت، ویژگی‌های عملکردی شرکت.

۱. استادیار حسابداری دانشگاه کردستان

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۹/۱۰

*نویسنده مسئول: محمدامید اخگر

mo.akhgar@uok.ac.ir

مقدمه

گزارش‌های مالی همواره باید برای کمک به کاربران در تصمیم‌گیری، اطلاعات قابل اعتمادی را ارائه نمایند. گزارش مالی بایستی در بردارنده اطلاعات مربوط، قابل اعتماد، قابل مقایسه و قابل فهم باشد (کاماروزمن و همکاران، ۲۰۰۹). قابل اعتماد بودن مربوط به کیفیت اطلاعات است و این اطمینان را ایجاد می‌کند که اطلاعات منطقی‌عاری از خطا و تعصب است و صادقانه هر آنچه را که انتظار می‌رود بیان کند بازگو می‌نماید. اما جانسون (۲۰۰۵) استدلالش این است که یک گزارش سالانه هرگز نمی‌تواند کاملاً عاری از تعصب باشد زیرا وضعیت اقتصادی ارائه شده در گزارش‌های سالانه به صورت مداوم تحت شرایطی که حاکی از عدم اطمینان است ارائه می‌گردد. برآوردها و فرضیات زیادی در گزارش وارد می‌گردند. اگرچه فقدان کامل تعصب قابل دستیابی نیست، اما برای اینکه این اطلاعات بتواند در تصمیم‌گیری‌ها مفید واقع گردد، داشتن سطح معینی از دقت برای اطلاعات مالی گزارش شده ضروری است (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۸). هر چه شرکت‌ها درباره ارقام موجود در گزارش‌های مالی صریح‌تر باشند میزان شفافیت نیز بیش‌تر خواهد بود. کیفیت گزارش مالی توسعه دادن شفافیت و انتشار گزارش سالانه باکیفیت از طریق افشای جامع و کامل می‌باشد. کیفیت گزارش‌های مالی همواره موضوع مورد علاقه هیأت‌های مدیره، سهامداران، محققین و خود حسابداران حرفه‌ای بوده و هست. در سال‌های اخیر موج رسوایی‌های حسابداری که در جامعه مالی بین‌المللی رخ داده است منجر به افزایش سؤالات و نگرانی‌هایی در مورد کیفیت گزارشگری مالی شده است (براون و فالاجیتی و اورلاندو، ۲۰۱۰). چندین شرکت برجسته نظیر (انرون، ورلدکام، مارکونی، پارمالات، کادبری و بانک اوشن) در تقلب‌های مالی دخیل بوده‌اند. این مسأله منجر به تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به تیم مدیریتی و گزارش‌های مالی شده است (بیدل، هیلاری و وردی، ۲۰۰۹). کیفیت در گزارشگری مالی و افشاء یک ضرورت است. کیفیت گزارشگری مالی سبب پیش‌بینی بهتر جریان‌های نقدی آتی شرکت برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود. واضح است که قانون‌گذاران و سرمایه‌گذاران برای داشتن گزارشگری مالی با کیفیت بالا هم‌عقیده هستند. زیرا اعتقاد غالب اینست که کیفیت گزارشگری مالی مستقیماً روی بازارهای سرمایه اثر می‌گذارد (لویت، ۱۹۹۸). هر شرکت از یک مجموعه ویژگی‌هایی برخوردار است که تا اندازه زیادی با نوع و ماهیت آن در ارتباط می‌باشد. فعالیت‌های تجاری مختلف از پیچیدگی، چرخه عملیاتی، ریسک، بازده، سرمایه، منابع مالی، اهداف و مأموریت‌های متفاوتی برخوردار هستند و بدیهی است که محیط اطلاعاتی و گزارشگری به میزان قابل ملاحظه‌ای متأثر از نوع فعالیت تجاری و ویژگی‌های حاکم بر آن می‌باشد. در این تحقیق سعی شده تا تأثیر هر یک از

ویژگی‌های شرکت (ساختاری، نظارتی و عملکردی)، بر کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری تحقیق

اختیار عمل مدیران در مورد استفاده از اصول تحقق و تطابق، برآورد و پیش‌بینی از جمله عواملی است که کیفیت گزارشگری مالی را به طور اعم و کیفیت سود را به طور اخص تحت تأثیر قرار می‌دهد. از یک سو، به دلیل آگاهی بیش‌تر مدیران از امورات شرکت، انتظار می‌رود که به گونه‌ای اطلاعات تهیه و ارائه گردد که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند. از سوی دیگر ممکن است بنا به دلایلی نظیر ابقا شرکت، دریافت پاداش و سایر عوامل؛ مدیریت خواسته یا ناخواسته از طریق فرآیند مدیریت سود، وضعیت مالی شرکت را به صورت مطلوب جلوه دهد. بنابراین کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها، تحت تأثیر اقدامات و صلاحیت مدیریت جهت بهتر نشان دادن وضعیت مالی، دست خوش تغییرات می‌شود و پائین می‌آید (خواجه‌وی و ناظمی، ۱۳۸۴). پژوهش‌های گسترده‌ای در سطح جهان در خصوص عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی به انجام رسیده است. اما با توجه به بررسی ادبیات، به نظر می‌رسد که مطالعات در خصوص تأثیر ویژگی‌های شرکت در قالب سه متغیر ساختار، نظارت و عملکرد شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی بسیار اندک باشد. به طور خلاصه می‌توان گفت که سه دیدگاه متفاوت درباره ویژگی‌های شرکت‌ها و کیفیت گزارشگری مالی به صورت جهانی با هم در رقابت هستند (چن و جگی، ۲۰۰۷). اول، برخی بر این نظر هستند که ویژگی‌های ساختاری شرکت نقش مهمی را در بازداشتن مدیران از دستکاری در ارقام حسابداری نسبت به سایر معیارها نظیر نظارت یا متغیرهای عملکرد، بازی می‌کند. دوم، برخی دیگر بر این عقیده هستند که مکانیسم‌های نظارتی (مدیران مستقل و سهامداران نهادی) به شکلی بهتر رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت در تهیه صورت‌های مالی را کنترل می‌نمایند. دیدگاه آخر متعلق به آنهایی است که معتقد هستند که متغیرهای عملکرد بهتر از هر دو نگرش دیگر، یعنی عناصر ساختاری و نظارتی، می‌تواند انجام فعالیت‌های حسابداری غیراخلاقی توسط مدیران را که موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد، شکست دهد. بنابراین اختلافات بین این سه دیدگاه مختلف هنوز رفع نشده‌اند و بر اساس بررسی‌های صورت گرفته موردی در خصوص موارد مذکور در ایران انجام نشده تا این تضاد بین دیدگاه‌ها را به ویژه در مورد شرکت‌های بورسی رفع نماید. از این رو این تحقیق به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی در ایران می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

والاس و همکاران (۱۹۹۴)، به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر گزارشگری مالی سالانه شرکت‌های اسپانیایی، با استفاده از اطلاعات شاخص افشاء پرداختند، آن‌ها دریافتند که نقدینگی به طور قابل توجهی منفی است که حاکی از آنست که شرکت‌هایی که نقدینگی کم دارند کم‌تر اطلاعات افشاء می‌کنند و میزان افشاء جزئیات با بزرگی شرکت افزایش می‌یابد.

سوهايلا و وان منصور (۲۰۰۷)، رابطه بین ویژگی‌های شرکت با ساختار سرمایه (اهرم) در شرکت‌های مالزیایی را بررسی نمود، نتایج نشان داده که هر سه متغیر (اندازه، پوشش بهره و رشد) با ساختار سرمایه رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

شیهو (۲۰۱۲)، تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تولیدی در نیجریه را مورد بررسی قرار داد، نتایج تحقیق بیانگر این بوده که نقدینگی دارای رابطه منفی و معنی‌دار بر کیفیت گزارشگری مالی است اما ویژگی‌های دیگر اندازه شرکت، اهرم، ترکیب هیأت مدیره، سهامداران نهادی، سودآوری و رشد شرکت تأثیر مثبت و معنی‌دار بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تولیدی نیجریه‌ای مورد مطالعه دارند.

سجادی و همکاران (۱۳۸۸)، بررسی ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های بورسی را بررسی نمودند، نتیجه نشان داد، که اندازه شرکت، عمر شرکت و نوع صنعت رابطه مثبت و معنی‌داری با کیفیت گزارشگری مالی دارد ولی نوع مؤسسه حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری ندارد.

دستگیر و همکاران (۱۳۸۹)، به بررسی رابطه بین ویژگی‌های مالی و غیرمالی با کیفیت ارقام تعهدی و سود در شرکت‌های بورسی پرداختند، نتیجه نشان داد، ویژگی‌های مالی و غیرمالی مانند، طول چرخه عملیات شرکت، اندازه شرکت، نوسان جریان نقدی، نوسان ارقام تعهدی، نوسان سود، تعداد دفعات زیان رابطه معنی‌داری با کیفیت ارقام تعهدی دارند ولی با نوسان فروش رابطه‌ای ندارند.

سجادی و همکاران (۱۳۸۹)، بررسی شیوه‌های استفاده از اختیارات مدیریت در گزارشگری سودآوری آینده و تأثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر شیوه‌های استفاده از اختیارات مزبور در شرکت‌های بورسی را آزمون نمودند، نتایج نشان داد، مدیریت سود با انحراف در فعالیت‌های عملیاتی، قراردادهای بدهی و رشد مبلغ فروش رابطه مثبت و معنی‌دار و با اندازه و پیش‌بینی رشد سودهای آینده شرکت رابطه منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه‌های تحقیق و مبانی نظری آن‌ها

در جهت بررسی روابط مورد نظر و پاسخ به سوالات اصلی تحقیق، فرضیه‌های زیر تدوین شده است: ساختار سرمایه به عنوان مهم‌ترین پارامتر مؤثر بر ارزشگذاری و جهت‌گیری بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای سرمایه مطرح شده است. بلکویی (۱۹۹۹)، ساختار سرمایه را ادعای کلی بر دارایی‌های شرکت معرفی می‌کند. موضوع ساختار سرمایه برای نخستین بار توسط مودیگلیانی و میلر در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. ابراهیم (۲۰۰۹)، رابطه بین ساختار سرمایه و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مصر را در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۷ بررسی کردند. نتایج تحقیق وی نشان داد که در شرایط عادی بین ساختار سرمایه و عملکرد شرکت رابطه معنی‌دار اما ضعیفی وجود دارد. بنابراین یکی از فرضیه‌های تحقیق را می‌توان بدین صورت مطرح نمود:

فرضیه اصلی اول: بین متغیرهای ساختار شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

اندازه شرکت یکی دیگر از متغیرهای ساختار شرکت می‌باشد، گروهی از مطالعات نشان می‌دهد که اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت دارد و دلایلی مانند برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد، ارتباط با مؤسسات بزرگ حسابرسی و رعایت هزینه اعتبار و شهرت را از عوامل اصلی آن تلقی می‌کنند. فروست و پانال (۱۹۹۴)، کیفیت گزارشگری مالی را در کشور آمریکا و انگلستان مورد بررسی قرار دادند. نتیجه تحقیق آن‌ها این بود که کیفیت گزارشگری مالی در کشورهای مذکور با اندازه شرکت رابطه دارد. با توجه به موارد ذکر شده یکی دیگر از فرضیه‌های تحقیق را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

فرضیه فرعی ۱-۱: بین اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نظریه نمایندگی نیز تا حد زیادی برای توضیح رابطه بین نسبت بدهی به سرمایه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است. استدلال شده است که هنگامی که نسبت بدهی به سرمایه افزایش پیدا می‌کند، انتقال ثروت از مدعیان ثابت (طلبکاران و دارندگان اوراق قرضه و سهام ممتاز شرکت) به مدعیان باقیمانده (سهامداران شرکت) صورت می‌گیرد. لفت و بیچ و همکاران (۱۹۸۱)، بیان می‌کنند شرکت‌هایی که از اهرم بالایی برخوردار هستند دارای هزینه نمایندگی بالاتر و بنابراین تقاضای بیش‌تر برای نظارت می‌باشند و از اینرو به نظر می‌رسد کیفیت گزارشگری مالی با ساختار تأمین مالی شرکت در ارتباط باشد. با توجه به موارد ذکر شده یکی دیگر از فرضیه‌های تحقیق را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

فرضیه فرعی ۲-۱: بین اهرم شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد.

نظام حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای کنترلی و نظارتی می‌تواند عامل مهمی در جهت برپایی عدالت گردد. یکی از مهم‌ترین وظایفی که حاکمیت شرکتی می‌تواند بر عهده گیرد، اطمینان‌دهی نسبت به کیفیت فرآیند گزارشگری مالی است. کمیته ریپون (۱۹۹۹)، در گزارش خود از حساب‌برسان مستقل خواسته است تا علاوه بر بررسی قابل قبول بودن رویه‌های استفاده شده در گزارشگری مالی، در مورد کیفیت آن‌ها نیز با کمیته حسابرسی شرکت‌ها مذاکره کنند. مطالعات علمی نشان داده است که میان حاکمیت شرکتی ضعیف و کیفیت نازل گزارشگری مالی، تحریف سود، وجود تقلب در صورت‌های مالی و ضعف کنترل‌های داخلی، رابطه وجود دارد (فاریب، ۲۰۰۵). با توجه به موارد ذکر شده یکی دیگر از فرضیه‌های تحقیق را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

فرضیه اصلی دوم: بین متغیرهای نظارتی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد.

هیأت مدیره یک از ساز و کارهای مهم حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود و نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش پاسخگویی ایفا می‌کند. مدیران مستقل می‌توانند با درک درست نقش نظارتی و راهبری خود، سلامت مالی بنگاه را به ارمغان آورند و مانع تضاد منافع بین بازیگران حاکمیت شرکتی شوند. (سی و ارماکریشن و یو، ۲۰۰۸)، به این نتیجه رسیدند که هنگامی که تعداد مدیران غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره افزایش می‌یابد اقدام تعهدی کاهش می‌یابد و مدیران غیرموظف موجب افزایش کیفیت سود می‌شوند. بنابراین، فرضیه بعدی این مطالعه به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه فرعی ۱-۲: بین ترکیب هیأت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. یکی از مهم‌ترین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی، سهامداران می‌باشند زیرا آن‌ها تأمین‌کنندگان سرمایه شرکت‌ها هستند و حفظ اعتماد آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. سهامداران با انتخاب اعضای هیأت مدیره، به طور مستقیم در تصمیم‌گیری‌های شرکت نقش ایفا می‌کنند و سهامداران نهادی و عمده با توجه به اینکه قادر به انتخاب یک یا چند عضو هیأت مدیره هستند می‌توانند در کاهش هزینه‌های نمایندگی مؤثر واقع شوند. یو، (۲۰۰۶)، به این نتیجه رسید که شرکت‌های با مالکیت نهادی بزرگ‌تر و سهامداران عمده بیش‌تر دارای اقدام تعهدی اختیاری کم‌تر و در نتیجه کیفیت سود بالاتر می‌باشند. بنابراین، فرضیه بعدی این مطالعه به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه فرعی ۲-۲: بین سهامداران نهادی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بنا بر تعریف متغیرهای مرتبط با عملکرد از دوره‌ای به دوره دیگر دچار تغییرات عمده می‌شوند. در تحقیقات مرتبط با کیفیت افشاء این دسته از متغیرها (سودآوری، نقدینگی و رشد) اغلب به عنوان نماینده اطلاعاتی که به نظر می‌رسد مدیریت شرکت به دلیل برخورداری از مزیت‌های خاص اطلاعاتی، بهتر و بیش‌تر از سایرین به آن‌ها دسترسی دارد مورد استفاده قرار می‌گیرند (لانگ ولاندهولم، ۱۹۹۳). بنابراین، فرضیه بعد این مطالعه به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اصلی سوم: بین متغیرهای عملکرد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد.

مدیران شرکت‌های سودآور در راستای افزایش رفاه و منافع شخصی خویش و نیز در راستای بهبود وضعیت سهامداران شرکت اقدام به گسترش کمی و کیفی افشاء می‌نمایند (لونتیس و ویتمن، ۲۰۰۴). از سوی دیگر این احتمال نیز وجود دارد که شرکت‌های زیان‌ده یا شرکت‌های کم‌تر سودده هم به ارتقاء کیفیت افشاء خود پردازند. از آنجا که به نظر می‌رسد سودآوری عاملی اثرگذار بر کیفیت افشاء باشد (لونتیس و ویتمن، ۲۰۰۴)، بنابراین فرضیه بعد این مطالعه به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه فرعی ۳-۱: بین سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نقدینگی توانائی شرکت را در انجام تعهدات کوتاه مدت نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، نقدینگی شرکت رابطه بین وجه نقدی است که در کوتاه مدت در اختیار شرکت قرار خواهد گرفت و وجه نقدی است که شرکت به آن نیاز خواهد داشت. نمود اصلی میزان نقدینگی شرکت دارائی‌های جاری است. توانائی شرکت برای باز پرداخت بدهی‌ها و تعهدات کوتاه مدت، بدون آنکه نیازی به فروش دارائی‌های ثابت یا متوقف کردن عملیات جاری خویش داشته باشد، عامل مهمی در ارزیابی وضعیت و انعطاف‌پذیری مالی یک شرکت توسط سهامداران و اعتباردهندگان به شمار می‌رود. به همین دلیل اغلب نقدینگی را معیاری از ریسک تلقی می‌کنند (لونتیس، ۲۰۰۴). از آنجا که انتظار می‌رود با افزایش نقدینگی کیفیت افشاء بهبود یابد (محمدآبادی، ۱۳۸۷)، بنابراین فرضیه بعدی این مطالعه به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه فرعی ۳-۲: بین نقدینگی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. رشد شرکت از دید بازار سرمایه متغیر مهمی است. نتایج اسکینر و اسلون (۲۰۰۲)، تأیید می‌کند که احتمالاً انگیزه‌های گزارشگری شرکت‌هایی با رشد زیاد با انگیزه‌های شرکت‌هایی با رشد کم متفاوت است. آشبوغ سکایف و همکاران (۲۰۰۷)، یافتند که شرکت‌هایی با رشد جوان نقاط

ضعف کنترل داخلی را بیش‌تر افشاء می‌کنند و در نهایت فرضیه آخر بدین صورت مطرح می‌گردد: فرضیه فرعی ۳-۳: بین رشد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این تحقیق برای این که نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری موردنظر باشد، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور ۵ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و مابقی حذف می‌شوند.

- ۱) شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۸۲ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۱ در بورس فعال باشند.
 - ۲) جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری‌های مالی، هلدینگ، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها نباشند.
 - ۳) سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۱ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - ۴) سهام شرکت‌ها در طی سال حداقل یک بار معامله شده باشد.
 - ۵) اطلاعات مالی شرکت‌ها در دسترس باشد.
- بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای مذکور، تعداد ۱۲۰ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است که تمامی آن‌ها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند بنابراین مشاهدات ما به ۱۲۰۰ سال شرکت می‌رسد.

متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل

ویژگی‌های شرکت: هر شرکت از یک مجموعه ویژگی‌هایی برخوردار است که تا اندازه زیادی با نوع و ماهیت فعالیت آن در ارتباط می‌باشد. فعالیت‌های تجاری مختلف از پیچیدگی، چرخه عملیاتی، ریسک، بازده، سرمایه، منابع مالی، اهداف و مأموریت‌های متفاوتی برخوردار هستند و بدیهی است که محیط اطلاعاتی و گزارشگری به میزان قابل ملاحظه‌ای متأثر از نوع فعالیت تجاری و ویژگی‌های حاکم بر آن می‌باشد. براساس مبانی نظری، کیفیت گزارشگری مالی ممکن است از برخی از ویژگی‌های شرکت تأثیر بپذیرد که در این تحقیق ویژگی‌های شرکت را بر اساس سه دسته از متغیرها که عبارتند از متغیرهای ساختاری (اندازه شرکت و اهرم)، متغیرهای

نظارتی (ترکیب هیأت مدیره و سهامداران نهادی) و متغیرهای عملکردی (سودآوری، نقدینگی و رشد شرکت) کنترل می‌نمایند. این تقسیم‌بندی بر مبنای مطالعه انجام شده توسط چن و جگی (۲۰۰۷)، صورت پذیرفته است. که در زیر ۷ ویژگی مذکور به ترتیب تشریح و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها بیان می‌گردد:

۱) اندازه شرکت: گروهی از مطالعات نشان می‌دهد که اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت دارد و دلایلی مانند برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد، ارتباط با مؤسسات بزرگ حسابرسی و رعایت هزینه اعتبار و شهرت را از عوامل اصلی آن تلقی می‌کنند. حسین و همکاران (۱۹۹۵) در پشتیبانی از یک ارتباط مثبت بین بزرگی شرکت و کیفیت اطلاعات مالی استدلال می‌کنند که فواید بالقوه افشاء با هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌یابد. بر این اساس و با توجه به شرایط تورمی و نامربوط بودن ارقام تاریخی دارایی‌ها، در این تحقیق از ارزش بازار سهام در پایان به عنوان مبنای تعیین ارزش شرکت و نهایتاً از لگاریتم آن به عنوان متغیر اندازه شرکت استفاده

می‌شود. (ارزش بازار سهام عادی شرکت i در زمان t) $= \sum_{t=1}^T \ln$ = اندازه شرکت

۲) اهرم: لفت ویچ و همکاران (۱۹۸۱)، بیان می‌کنند شرکت‌هایی که از اهرم بالایی برخوردار هستند دارای هزینه نمایندگی بالاتر و بنابراین تقاضای بیش‌تر برای نظارت می‌باشند و از این رو به نظر می‌رسد کیفیت گزارشگری مالی با ساختار تأمین مالی شرکت در ارتباط باشد. در این تحقیق، اهرم شرکت به صورت نسبت کل بدهی‌های بلندمدت به کل حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری می‌شود.

۳) ترکیب هیأت مدیره: ترکیب هیأت مدیره ترکیبی از هر دوی مدیران مؤلف و غیرمؤلف به عنوان اعضای هیأت مدیره است. (فاما و جنسن، ۱۹۸۳) یکی از مباحث طرح شده در زمینه موضوع هیأت مدیره، بر مسأله ترکیب هیأت مدیره تمرکز دارد. ترکیب هیأت مدیره به عنوان نسبت اعضای غیرمؤلف هیأت مدیره به کل تعداد اعضای هیأت مدیره نگریسته می‌شود. هر چه ترکیب هیأت مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کم‌تر می‌گردد. همانند پژوهش (گارسیا سانچز، ۲۰۱۰)، ترکیب هیأت مدیره از طریق نسبت اعضای غیرمؤلف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره اندازه‌گیری می‌شود.

۴) سهامداران نهادی: طبق نظر گیلان و استارکس (۲۰۰۳)، سرمایه‌گذاران نهادی در شکل‌گیری بسیاری از تغییرات در سیستم حاکمیت شرکتی نقش اصلی داشته‌اند. این گروه از سهامداران با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها، از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و می‌توانند رویه‌های آن (شامل رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی) را تحت تأثیر قرار دهند. در این تحقیق مطابق تعریف ارائه شده و مورد استفاده در پژوهش کوتو (۲۰۰۹)، برای محاسبه

میزان مالیکت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت، تقسیم شده و درصد یا میزان مالیکت نهادی به دست آمده است.

۵) سودآوری: سودآوری به اصطلاح علامت سالم بودن بنگاه اقتصادی است، شرکت‌های با سودآوری پایین یا حتی غیرسودآور مدت بیش‌تری می‌توانند در خدمت اقتصاد قرار گیرند ولی شرکت‌های بدون نقدینگی امید به حیات کم‌تری دارند. السعید (۲۰۰۶)، استدلال کرد که یک شرکت سودآور ممکن است از دستاوردهایش احساس افتخار کند و به همین دلیل مایل به افشای اطلاعات بیش‌تر به عموم مردم به منظور ترویج برداشت مثبت از عملکرد خود در بین آن‌ها باشد. در این تحقیق، سودآوری به صورت نسبت میزان سود بعد از کسر مالیات (سود خالص) بر حقوق صاحبان سهام تعریف شده است.

۶) نقدینگی: نسبت‌های نقدینگی توانایی شرکت را برای انجام تعهدات کوتاه مدت در سررسید را نشان می‌دهد (فوستر، ۱۹۸۶). به عبارت دیگر رابطه بین وجه نقدی است که در کوتاه مدت در اختیار شرکت قرار خواهد گرفت و وجه نقدی که شرکت به آن نیاز خواهد داشت. استفاده از نقدینگی به عنوان یک متغیر مرتبط با عملکرد مبتنی بر این فرض است که تغییرات دارایی‌ها و بدهی‌های جاری تا حد زیادی از عملکرد شرکت در یک دوره مالی مشخص تأثیر می‌پذیرد (لوتیس و وتمن، ۲۰۰۴). در این پژوهش برای محاسبه نسبت نقدینگی از نسبت جاری که توان نقدینگی شرکت را بهتر نشان می‌دهد استفاده شده است.

$$\text{نسبت نقدینگی} = \frac{\text{دارایی‌های جاری شرکت } i \text{ در زمان } t}{\text{بدهی‌های جاری شرکت } i \text{ در زمان } t}$$

۷) رشد شرکت: رشد شرکت از دید بازار سرمایه متغیر مهمی است. نتایج اسکینر و اسلون (۲۰۰۲) تأیید می‌کند که احتمالاً انگیزه‌های گزارشگری شرکت‌هایی با رشد زیاد با انگیزه‌های شرکت‌هایی با رشد کم متفاوت است. به طور مشخص، اسکینر و اسلون شواهدی ارائه نموده‌اند از این که شرکت‌هایی با رشد بالا انگیزه قوی‌تری برای پیروی از سیاست‌های گزارشگری غیرمحافظه‌کارانه در ارتباط با مواجهه یا کاهش انتظارات بازار دارند. در این تحقیق نیز همانند تحقیق سجادی (۱۳۸۸)، رشد از طریق درصد تغییرات سود خالص شرکت در سال‌های T و T-1 به دست می‌آید.

متغیر وابسته

کیفیت گزارشگری مالی: متغیر وابسته تحقیق کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. به منظور ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی از مدل کیفیت ارقام تعهدی کازنیک (۱۹۹۹) استفاده شده است. دلیل انتخاب این معیار (کیفیت ارقام تعهدی) جهت ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی، این است که ارقام تعهدی، عامل اصلی پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی هستند و در صورتی که در برآورد آن‌ها میزان خطا کم‌تر باشد، سودها نشانه بهتری از جریان‌های نقدی آتی خواهند بود (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین دلیل دیگر انتخاب این مدل برای این تحقیق این است که سجادی و همکاران (۱۳۸۹)، ۴ مدل و همچنین یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، ۶ مدل اصلی از مدل‌های ارقام تعهدی را به تفکیک هر صنعت از نظر معنی‌داری و قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی مورد بررسی قرار دادند و مدل کازنیک به عنوان مدل بهینه در ایران انتخاب شده است.

مدل کازنیک (۱۹۹۹)

این مدل با افزودن تغییر در خالص وجه نقد عملیاتی، مدل جونز را تعدیل می‌کند. مدل کازنیک به شرح زیر می‌باشد:

$$ACCR_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 [\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}] + \alpha_2 PPE_{it} + \Delta CFO_{it} + e_{it}$$

که در آن: $ACCR_{it}$ کل ارقام تعهدی، ΔREV_{it} تغییر در درآمد فروش سال t نسبت به سال قبل، ΔREC_{it} تغییر در خالص حساب‌های دریافتی سال t نسبت به سال قبل، PPE_{it} بهای تمام شده اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، ΔCFO_{it} تغییر در جریان‌های نقدی حاصل سال t نسبت به سال قبل و عوامل باقیمانده یعنی e_{it} است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق روش داده‌های پانل می‌باشد. در این روش یک سری واحدهای مقطعی (مثلاً شرکت‌ها) در طی چند سال مورد توجه قرار می‌گیرند. با کمک این روش که در مطالعات سال‌های اخیر نیز زیاد استفاده شده است تعداد مشاهدات تا حد مطلوب افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه مشاهدات ادغام شده باعث تغییرپذیری بالاتر، هم خطی چندگانه کم‌تر میان متغیرهای توضیحی، درجه آزادی بیش‌تر و کارایی بالاتر تخمین‌کننده‌ها می‌شود، مطالعات ترکیبی نسبت به مطالعات مقطعی و سری زمانی دارای مزیت است (بالتاجی، ۱۹۹۵، ص ۳-۶).

بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

در این بخش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به بررسی ارتباط متغیرهای تحقیق و همبستگی موجود بین آن‌ها پرداخته می‌شود. براساس نتایج حاصل از آماره پیرسون، کیفیت گزارشگری مالی همبستگی مثبت و معنی‌داری با اندازه شرکت (۰/۰۹۱)، سودآوری (۰/۳۹۵)، نقدینگی (۰/۰۵۹) و رشد شرکت (۰/۱۷۹) دارد. همچنین این متغیر دارای همبستگی منفی و معنی‌داری با ترکیب هیأت مدیره (۰/۰۷۲-) می‌باشد. اندازه شرکت نیز دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با سهامداران نهادی (۰/۳۲۴) و سودآوری (۰/۲۱۳) می‌باشد. همچنین میان اهرم مالی و متغیرهای سودآوری (۰/۱۲۵-) و نقدینگی (۰/۱۹۱-) همبستگی منفی و معنی‌داری قابل مشاهده می‌باشد. از دیگر همبستگی‌های موجود میان متغیرهای تحقیق می‌توان به همبستگی مثبت و معنی‌داری سهامداران نهادی با سودآوری (۰/۱۱۲) و همبستگی مثبت و معنی‌داری رشد شرکت با سودآوری (۰/۲۶۶) اشاره کرد.

بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل تحقیق

در این مطالعه بررسی رابطه همخطی بین متغیرهای مستقل با بهره‌گیری از ضریب همبستگی پیرسون انجام شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، همبستگی میان متغیرهایی که همزمان وارد مدل تحقیق می‌شود در حد ضعیف یا متوسط بوده و همبستگی قوی بین آن‌ها وجود ندارد. بنابراین ورود همزمان متغیرهای مستقل در مدل تحقیق موجب ایجاد مشکل همخطی شدید نخواهد شد. همچنین در این مطالعه نیز همانند تحقیق ودیعی و عظیمی‌فر (۱۳۹۱) به منظور اطمینان بیش‌تر از آماره VIF (عامل تورم واریانس) نیز به منظور بررسی همخطی بهره گرفته شده است. با توجه به جدول ۱، مقدار آماره VIF برای تمامی متغیرها کم‌تر از ۵ بوده و گویای آن است که میان متغیرها همخطی شدیدی وجود ندارد.

جدول ۱: نتایج آماره VIF برای هر یک از متغیرهای تحقیق

متغیر	اندازه شرکت	اهرم مالی	ترکیب هیأت مدیره	سهامداران نهادی	سودآوری	نقدینگی	رشد شرکت
آماره VIF	۱/۱۴۵	۱/۰۸۰	۱/۰۱۱	۱/۱۱۲	۱/۱۷۲	۱/۰۵۰	۱/۱۲۴

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این بخش ابتدا مدل تحقیق برآورد شده و در ادامه پس از بررسی مفروضات رگرسیون به تفسیر نتایج هر یک از فرضیه‌ها به صورت جداگانه پرداخته می‌شود.

برآورد مدل تحقیق

در این مطالعه فرضیات تحقیق با استفاده از مدل زیر مورد آزمون واقع می‌شود که یک مدل رگرسیونی بوده و با استفاده از روش داده‌های پانل برآورد خواهد شد:

$$FRQ_{i,t} = S_0 + S_1 FSIZE_{i,t} + S_2 LEV_{i,t} + S_3 BCOMP_{i,t} + S_4 IS_{i,t} + S_5 PROF_{i,t} + S_6 LIQ_{i,t} + S_7 GROWTH_{i,t} + v_{i,t}$$

در اینجا برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل کارآمد خواهد بود یا نه از آزمون F لیمر و به منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل تحقیق

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	P-Value
آزمون F لیمر	F	۱/۵۷۳	(۱۱۹)	۰/۰۰۰۲
آزمون هاسمن	X ²	۹۲/۴۴۷	۷	۰/۰۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۰۰۲)، همسانی عرض از مبداهای رد شده و لازم است در برآورد مدل از روش داده‌های پانل استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۰۰۰)، بنابراین در برآورد می‌بایست روش اثرات ثابت بکار برده شود. در جدول ۳ نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج برآورد مدل تحقیق

متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی		تعداد مشاهدات: ۱۰۴۹ سال - شرکت	
متغیر	ضریب	آماره t	P-Value
ضریب ثابت	-۲/۱۱۴۷	-۴/۴۵۶	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۱۳۴۱	۳/۷۲۸	۰/۰۰۰۲
اهرم مالی	-۰/۱۲۲۴	-۲/۰۷۱	۰/۰۳۸۶
ترکیب هیأت مدیره	۰/۴۳۹۹	-۳/۷۳۹	۰/۰۰۰۲
سهامداران نهادی	۰/۰۰۱۲	۰/۸۱۴	۰/۴۱۵۵
سودآوری	۰/۸۵۰۰	۱۳/۱۵۹	۰/۰۰۰۰
نقدینگی	۰/۲۳۷۱	۴/۵۹۴	۰/۰۰۰۰
رشد شرکت	۰/۰۱۵۰	۲/۳۴۸	۰/۰۱۹۱
AR(1)	۰/۲۶۷۴	۸/۰۹۸	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین مدل	۰/۴۶۸۳		
آماره F مدل	۶/۳۸۹		
(P-Value)	(۰/۰۰۰۰)		
آماره Breusch-Pagan	۱۶/۴۹۵		
(P-Value)	(۰/۰۰۰۰)		
آماره Jarque-Bera	۵/۲۸۶		
(P-Value)	(۰/۰۷۱۱)		
آماره دوربین واتسن	۱/۸۰۹		

لازم به توضیح است از آنجایی که بر اساس نتایج برآورد اولیه مدل وجود خودهمبستگی میان باقیمانده‌ها مورد تأیید قرار گرفته است از این رو به منظور رفع این مشکل متغیر خودهمبسته مرتبه اول $AR(1)$ وارد مدل شده است. در بررسی معنی‌دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۴۶/۸۳ درصد از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکوا- برا گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند به طوری که مقدار احتمال مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۰۷۱۱). در ارتباط با فرض همسانی واریانس باقیمانده نیز با توجه به این که مقدار احتمال مربوط به آزمون برش-پاگان کم‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۰۰۰) وجود مشکل ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل تأیید می‌شود. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده شده و به ضرایب مدل توسط نرم‌افزار آماری وزن‌های مناسب تخصیص داده شده است. علاوه بر این از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسن مابین عدد ۱/۵ و ۲/۵ قرار گرفته است (۱/۸۰۹)، لذا استقلال باقیمانده‌های مدل نیز تأیید می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق

در فرضیه اول پژوهش با توجه به این که در تحقیق حاضر ساختار شرکت‌ها از دو منظر اندازه و نسبت اهرمی مورد توجه قرار گرفته بنابراین این فرضیه در قالب دو فرضیه فرعی زیر مورد آزمون قرار واقع شده است.

فرضیه فرعی ۱-۱: بین اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر اندازه شرکت کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰۲) و ضریب آن مثبت می‌باشد (۰/۱۳۴۱). بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. و این نتیجه با یافته‌های (کریستینا، ۲۰۱۰ و شیپو، ۲۰۱۲)، هماهنگ می‌باشد.

فرضیه فرعی ۲-۱: بین اهرم شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول-۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر اهرم مالی شرکت کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۳۸۶) و ضریب آن منفی می‌باشد (۰/۱۲۲۴). بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین اهرم مالی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. این نتیجه با یافته (کریستینا، ۲۰۱۰)، هماهنگ می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم تحقیق

در فرضیه Z دوم پژوهش با توجه به این که متغیرهای نظارتی شرکت‌ها از دو منظر ترکیب هیأت مدیره و سهامداران نهادی مورد توجه قرار گرفته بنابراین این فرضیه در قالب دو فرضیه فرعی زیر مورد آزمون واقع شده است.

فرضیه Z فرعی ۱-۲: بین ترکیب هیأت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر ترکیب هیأت مدیره کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰۲) و ضریب آن منفی می‌باشد (۰/۴۳۹۹). بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین ترکیب هیأت مدیره و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. بنابراین این نتیجه با یافته (کریستینا، ۲۰۱۰)، همخوانی دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲: بین سهامداران نهادی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر سهامداران

نهادی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۴۱۵۵). بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین سهامداران نهادی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود ندارد به طوری که تغییرات درصد سهامداران نهادی اثر قابل‌ملاحظه‌ای بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ندارد. در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. نتایج این تحقیق با یافته (احمد و منصور، ۲۰۰۹)، هماهنگ می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم تحقیق

در فرضیه سوم با توجه به این که متغیرهای عملکردی شرکت‌ها از سه منظر سودآوری، نقدینگی و رشد مورد توجه قرار گرفته بنابراین این فرضیه در قالب سه فرضیه فرعی زیر مورد آزمون واقع شده است.

فرضیه فرعی ۱-۳ بین سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر سودآوری کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰۰) و ضریب آن مثبت می‌باشد (۰/۸۵۰۰). بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین سودآوری شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. این نتیجه با یافته‌های (دوی و همکاران، ۲۰۰۹ و شیهو، ۲۰۱۲)، هماهنگ است.

فرضیه فرعی ۲-۳ بین نقدینگی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر نقدینگی کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰۰) و ضریب آن مثبت می‌باشد (۰/۲۳۷۱). بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین نقدینگی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. نتایج این تحقیق با یافته‌های (دوی و همکاران، ۲۰۰۹)، هماهنگ می‌باشد.

فرضیه فرعی ۳-۳ بین رشد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول-۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر رشد کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۱۹۱) و ضریب آن مثبت می‌باشد (۰/۰۱۵۰). بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین رشد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در نتیجه این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعات انجام شده توسط (کریستینا، ۲۰۱۰؛ شیهو، ۲۰۱۲)، هماهنگ می‌باشد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق هم شواهد تجربی و هم شواهد آماری را در مورد تأثیر ۷ متغیر مستقل که ویژگی‌های شرکت نامیده می‌شوند در توضیح و پیش‌بینی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های نمونه فراهم می‌آورد. متغیرهای مستقلی که ویژگی‌های شرکت را می‌سازند در سه گروه متغیرهای ساختاری (اندازه شرکت و اهرم)، نظارتی (ترکیب هیأت مدیره و سهامداران نهادی) و عملکردی (سودآوری، نقدینگی و رشد شرکت) دسته‌بندی شدند. بنابراین این تحقیق تلاش می‌نماید که مشخص کند که ویژگی‌های شرکت چه نقشی را در تعیین سطح کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایفا می‌نمایند.

اولاً، اندازه شرکت دارای تأثیرات مثبت بر کیفیت گزارشگری مالی است زیرا شرکت‌های بزرگ معمولاً دارای سیستم‌های کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی قوی هستند که می‌توانند به خدمات با کیفیت شرکت‌های حسابرسی بزرگ و معتبر دسترسی داشته و اعتبار خود را حفظ نمایند. این فاکتورها ممکن است مدیریت سود را کم کنند. دوماً، ما رابطه معنی‌داری را بین اهرم و سطح اقلام تعهدی اختیاری پیدا نمودیم. بالا بودن نسبت بدهی به معنی پائین بودن ظرفیت استقراض شرکت و نیز بالا بودن ریسک ورشکستگی است. در این حالت افشاء بهتر می‌تواند تبعات منفی برای شرکت به دنبال داشته باشد و انتظار می‌رود شرکت از بهبود کیفیت افشای خویش خودداری نماید. از سوی دیگر با افزایش مبلغ بدهی شرکت‌ها می‌کوشند با افشای بیش‌تر و بهتر در صدد کاهش عدم اطمینان اعتباردهندگان و برآوردن نیازهای اطلاعاتی آنان و در نهایت کاهش دادن هزینه‌های نمایندگی برآیند بنابراین، هنگامی که نسبت بدهی به دارایی خالص پایین است، احتمال بیش‌تری وجود دارد که مدیران اقدام به دستکاری حساب‌ها نمایند. سوماً، نتیجه فرضیه سوم می‌تواند ناشی از این باشد که اعضای غیرموظف هیأت‌های مدیره نقش مستقیمی را در مدیریت شرکت ایفا نمی‌کنند. لذا وجود آن‌ها نمی‌تواند یک ابزار نظارتی مؤثر را برای هیأت مدیره فراهم نموده و بنابراین گزارش‌های مالی با کیفیت‌تری ارائه نمی‌شود. به طور کلی، در تمام تحقیقات از جمله تحقیق حاضر، نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به عنوان شاخص استقلال هیأت مدیره در نظر گرفته می‌شود، در حالی که ممکن است در اثر عواملی نظیر روابط فامیلی، وابستگی‌های شغلی و غیره، اعضای غیرموظف واقعاً مستقل نباشند و منافع شرکت با منافع آن‌ها گره خورده باشد. و یا عضویت همزمان اعضای غیرموظف در هیأت مدیره چند شرکت نیز ممکن است از دیگر عوامل علل کاهش اثربخشی آن باشد. نتیجه فرضیه چهارم را می‌توان نشانه عدم یک رابطه معنی‌دار بین تمرکز مالکیت و وقفه گزارشگری بر اساس فرضیه منافع شخصی تفسیر نمود، بدان معنا که سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ با توجه به اینکه احتمالاً

قبل از انتشار صورت‌های مالی به این اطلاعات دسترسی دارند، انگیزه‌ای برای ترغیب مدیریت به گزارش کردن این اطلاعات ندارند. در توضیح فرضیه پنجم رابطه بین کیفیت سود و سودآوری در شرکت‌های بورسی با انتظارات ما همخوانی دارد. شرکت‌های دارای سودآوری بالاتر کم‌تر در مدیریت سود وارد می‌شوند. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای سودآوری بالاتر مداخلات کم‌تری را در مدیریت سود انجام می‌دهند. بنابراین، این تحقیق نتیجه می‌گیرد که سودآوری منجر به کاهش دستکاری در درآمدها شده و کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. نتیجه فرضیه ششم، گویای این است که افزایش نقدینگی منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های مورد مطالعه شده است. توانایی شرکت برای بازپرداخت بدهی‌ها و تعهدات کوتاه مدت، بدون آنکه نیازی به فروش دارایی‌های ثابت یا متوقف کردن عملیات جاری خویش داشته باشد، عامل مهمی در ارزیابی وضعیت و انعطاف‌پذیری مالی یک شرکت توسط سهامداران و اعتباردهندگان به شمار می‌رود. به همین دلیل اغلب نقدینگی را معیاری از ریسک تلقی می‌کنند. سرانجام اینکه، شرکت‌های با فرصت‌های رشد بیش‌تر دارای کیفیت گزارشگری مالی بالاتر هستند زیرا نتایج، نشان‌دهنده این است که افزایش حجم فروش منجر به افزایش کیفیت سود می‌گردد. رویهم رفته نتیجه کلی تحقیق نشان می‌دهد که از میان ۷ متغیر مستقل تحقیق غیر از سهامداران نهادهی بقیه متغیرهای مستقل تأثیر معنی‌داری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های نمونه دارند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

با توجه به اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی، به نظر می‌رسد که انجام مطالعات بیش‌تر و با در نظر گرفتن جوانبی دیگر به روشن شدن این موضوع کمک نماید. در این راستا پیشنهادات زیر جهت محققین و استفاده‌کنندگان ارائه می‌شود.

- ۱- بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی مستقل و حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی
- ۲- بررسی رابطه خدمات غیرحسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی
- ۳- بررسی رابطه شاخص‌های بنیادی (روند بازار سهام، بازده صنعت، بازده بازار) و کیفیت گزارشگری مالی
- ۴- تکرار این تحقیق در صنعت‌های مختلف و تفکیک هر صنعت.

منابع و مأخذ

- خواجه‌ی، ش. و ناظمی، ا. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تأکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۴۰، ۳۷-۶۰.
- دستگیر، م.، خدادادی، و. و رستگار، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ویژگی‌های مالی و غیر مالی شرکت با کیفیت اقلام تعهدی و سود، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال سوم (۱۰)، ۷۵-۷۵.
- سجادی، س.ح.، دستگیر، م.، حسین‌زاده، ع.ح. و اخگر، م.ا. (۱۳۸۹). عنوان بررسی شیوه‌های استفاده از اختیارات مدیریت در گزارشگری سودآوری آینده و تأثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر شیوه‌های استفاده از اختیارات مزبور، مجله دانش حسابداری، سال سوم (۸)، ۷-۳۰.
- سجادی، س.ح.، زراءنژاد، م. و جعفری، ع. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶ (۵۷)، ۵۱-۶۸.
- ودیعی، م.ح. و عظیمی‌فر، ف. (۱۳۹۱). ارزش‌گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و ارتباط آن با اقلام تعهدی اختیاری، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۴ (۲)، ۱۷۹-۲۰۳.
- یعقوب‌نژاد، ا.، بنی‌مهد، ب. و شکری، ا. (۱۳۹۰). ارائه الگو برای اندازه‌گیری مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، (شماره دوازدهم)، ۱-۱۶.
- Ahmed, A.C. and Mansor, N. (2009). "Board Independent, Ownership Structure, Audit Quality and Income Smoothing Activities: A Study of Malaysian Market". *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 5 (11): 1-13.
- Alsaed, K. (2006). "The Association between Firm-Specific Characteristics and Disclosure: the Case of Saudi Arabia". *Managerial Auditing Journal*, 21 (5): 476-496.
- Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D. and Kinney, W. (2007). "The Discovery and Reporting of Internal Control Deficiencies Prior to SOX-mandated Audits". *Journal of Accounting and Economics*, 44 (1): 166-192.
- Belkaoui, A. (1999). "Accounting Theory". Thomson.
- Biddle, G.G., Hilary, K. and Verdi R.S. (2009). "How Does Financial Reporting Quality Relate to Investments Efficiency?". *Journal of Accounting and Economics*, 48: 112-131.

- Blueribbon Committee (1999). Report and Recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees, New York, NY; New York Stock Exchange and National Association of Securities Dealers.
- Brown, J., Falaschetti, D. and Orlando, M. (2010). "Auditor Independence and Earnings Quality: Evidence for Market Discipline vs. Sarbanes-Oxley Proscriptions". *American Law and Economics Review*, 12 (1): 39-68.
- Baltagi, B.H. (1995). *Econometric Analysis of Panel Data*, John Wiley and Sons, New York.
- Cristini, G.G. (2010). "Financial Reporting Quality and Corporate Governance: The Portuguese Companies Evidence". *Journal of Business Finance & Accounting*, 2 (1): 118-164.
- Cueto Diego, C. (2009). Market Liquidity and Ownership Structure with Weak Protection for Minority Shareholders: Evidence from Brazil and Chile. Working Paper.
- Dwi, M., Mulyono and Rahfiani, K. (2009). "The Effect of Financial Ratios, Firm Size and Cash Flow from Operating Activities in the Interim Report to the Stock Return". *Journal of Chinese Business Review*, 8 (6): 1-12.
- Fama, E.F. and Jensen, M.C. (1983). "Agency Problems and Residual Claims, *Journal of Law and Economics*, 26 (2): 327-349.
- Farber, D.B. (2005). Restoring Trust After Fraud: Does Corporate Governance Matter?". *The Accounting Review*, 80 (2): 25.
- Frost, C. and Pownall, G. (1994). Accounting Disclosure Practices in the United States and the United Kingdom". *Journal of Accounting Research*, 32 (1): 75-102.
- Garcia-Sanchez, I.M. (2010). "The Effectiveness of Corporate Governance: Board Structure and Business Technical Efficiency in Spain". *Central European Journal of Operations Research*, 18: 311-339.
- Gillan, S.G. and Starks, L.T. (2003). "A Survey of Shareholder Activism: Motivation and Empirical Evidence". *Contemporary Finance Digest*, 10-38.
- Hossain, M., Perera, H.B. and Rahman, A.R. (1995). "Voluntary Disclosure in Annual Reports of New Zealand Firms". *Journal of International Financial Management and Accounting*, 6 (1): 69-85.
- IASB, (2008). Exposure Draft on an Improved Conceptual Framework for Financial Reporting: The Objective of Financial Reporting and Qualitative Characteristics of Decision-useful Financial Reporting Information, London.

- Ibrahim, E.E. (2009). "The Impact of Capitalstructure Choice on Firm Performance: Empirical Evidence from Egypt". *The Journal of Risk Finance*, 10 (5): 477- 487.
- Jaggi, B. and Leung, S. (2007). "Impact of Family Dominance on Monitoring of Earnings Management by Audit Committees: Evidence from Hong Kong". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 16: 27-50.
- Johnson, T. (2005). Relevance and Reliability Article from the FASB Report Feb. 28.
- Kamaruzaman, A.J., Mazlifa, M.D. and Maisarah, A.R. (2009). "The Association between Firm Characteristics and Financial Statements Transparency: the Case of Egypt". *International Journal of Accounting*, 18 (2): 211-223.
- Lang, M. and Lundholm, R. (1993). "Cross Sectional Determinants of Analyst Rating of Corporate Disclosures". *Journal of Accounting Research*, 31 (2): 246-271.
- Leftwich, R.W., Watts, R.L. and Zimmerman, J.L. (1981). "Voluntary Corporate Disclosure: The Case of Interim Reporting". *Journal of Accounting Research*, 18: 50-77.
- Leventis, S. and Weetman, P. (2004). "Voluntary Disclosures in an Emerging Capital Market: some Evidence from the Athens Stock Exchange". *Advances in International Accounting*, 17: 227-250.
- Levitt, A. (1998). "The Importance of High-Quality Accounting Standards". *Accounting Horizons*, 12: 79-82.
- Riahi Belkoui, A. (1999). "Capital Structure", First Edition. Rubin A, Ownership Level, Ownership Concentration and Liquidity". *Journal of Financial Markets*, 10 (3): 219-248.
- Mat Kila, S. and Wan Mansor, W.M. (2007). "Capital Structure and Firm Characteristics: Some Evidence from Malaysian Companies". Department of Finance, Faculty of Business & Management, Malaysia.
- Skinner, D.J. and Sloan, R.G. (2002). "Earnings Surprises, Growth Expectations and Stock Returns or don't Let on Earnings Torpedo Sink your Portfolio". *Review of Accounting Studies*, 7: 289-312.
- Shehu, U.H. (2012). "Firm Characteristics and Financial Reporting Quality of Quoted Manufacturing Firms in Nijeria". A Dissertation Submitted to the School of Postgraduate Studies, Ahmadu Bello University.

Sivaramakrishnian, K. Shaokun Carol, Yu. April (2008). On the Association between Corporate Governance and Earning Quality, <http://ssrn.Com>.

Wallace, R.S.O., Naser, K. and Mora, A. (1994). “The Relationship between Comprehensiveness of Corporate Annual Reports and Firm Characteristics in Spain”. *Journal of Accounting and Business Research*, 25 (97): 41-53.